



پیام سازمان مجاهدین خلق ایران
به
دانشجویان مبارز خارج از کشور

پاسخ

سازمان مجاهدین خلق ایران

به اتحادیه دانشجویان ایرانی در آمریکا

دیماه ۱۳۵۶



پیام سازمان مجاهدین خلق ایران

به

دانشجویان مبارز خارج از کشور

رفقا! دانشجویان مبارز، اعضا، اتحادیه‌های دانشجویی،

بهمراه درودهای گرم، برای پیشرفت هرچه بیشتر شما در راه مبارزه علیه رژیم وابسته شاه و اربابان امپریالیستش در راه دفاع از حقوق دموکراتیک خلق ایران و مبارزات توده‌های زحمتکش و اقشار آگاه جامعه، و در راه پشتیبانی از سازمانها و گروههای انقلابی مبارز و دفاع از زندانیان سیاسی، آرزوی موفقیت میکنیم.

ما مبارزات پر شور شما، انشاگره‌های سیاسی، اعتصاب‌فذاها، تظاهرات، اشغال سفارت‌خانه‌ها و کسولگره‌های رژیم و بخصوص تظاهرات تهران، متحد و سازمان یافته شمارا علیه سفر شاه خائن به آمریکا و فرانسه بدیده تحسین می‌نگریم و اعتقاد داریم ادامه و پیگیری مبارزات دانشجویان پیشرو علیه جریان‌های راست و سازشکار بورژوا لیبرال در دریا جنبش دانشجویی و رشد هرچه بیشتر همبستگی و هماهنگی این جنبش با جنبش انقلابی و واقعیات جامعه در پاکسازی و تحکیم صفوف جنبش دانشجویی و همچنین اعتلاء آن نقش مهم ایفا خواهد کرد.

رفقا!

در دو سالی که گذشت، جامعه و انقلاب ایران شاهد دگرگونیها و تحولات امیدبخش و در عین حال حساس و قابل دقتی بودند. در این مدت رژیم شاه جنایتکار علیه مردم پیگری

دهای وسیع پلیسی خود و تمام تدارکات گسترده و تاکتیکیهای جدیدی که برای پدافند اندام ختن و کشتن انقلابیون و کمونیستها بعمل آورد، بازم در هدف اصلی خود، یعنی متلاشی کردن تشکلهای انقلابی و کمونیستی دچار شکست و ناکامی گردید. سلسله ضربات متراکمی که از آغاز سال ۵۵ منجر به از دست رفتن جمعی و گروهی بسیاری از انقلابیون بسا تجربه و کمونیستهای صدیق و کارگشتای شده بود نتوانست بسازمان ما سرایت نمود و آن را به این شکل مورد حمله قرار دهد.

این حملات پاسد آهنبشی از مقاومت و هشیاری و ابتکار توده‌ها و رهبری سازمان مسا در هم شکست. بلافاصله بعد از آغاز سلسله دوم ضربات وسیع وارد بر سازمان چریکهای فدایی خلق در تیرماه ۵۵، طرحهای دفاعی و نقشه‌های پیش‌گیرانه از طرف رهبری سازمان تنظیم شد. در هسته این طرح، تخلیه تمام خانه‌های پایگاهی، انبارها و قطعه و تغییر تمام رد‌های ثابت، در مدتی کمتر از سه روز قرار داشت. ما این عمل حساس را بطور کامل در دو بار، یک بار در اوائل پائیز و بار دیگر در نیمه زمستان ۵۵ با انجام رسانیدیم. در چنین شرایطی، لحظاتی در سازمان، رسیده بود که حتی یک نفر از رفقای ما دارای یک اطاق کوچک پایگاهی نبود و در تمام سازمان و برای همه افراد حتی یک رد ثابت وجود نداشت، در چنین وضعیتی رفقا می‌بایست برای هر شبی که می‌خواهند بصبح بربانند، چارهای ببندیدند و راه و ویژه‌ای انتخاب کنند. بسیاری از رفقا برای تمام کردن شب بشهرهای نزد یک و مسافرت‌های نیمه راهی میرفتند. در حین سفر می‌خوابیدند و نیمه شب مجدداً راه بازگشت را در پیش می‌گرفتند. در این میان صدها هزار تومان وسائل خانه، ابزار و سا-تل تکنیکی و چاپ و سرمایه غیر قابل انتقال سازمان اجباراً از بین رفت. تمام برنامه‌ها و اقدامات در دستور سازمان تا فراهم آمدن پایگاههای جدید، و حل مسئله امنیت کادرها و سازماندهی متناسب متوقف شد. با اینوصف ما از اجرای چنین برنامه سخت و سهمگین و تحمل مصائب و دشواریهای بی‌شمار آن ناشد نبودیم. زیرا توطئه دشمن در رخنه به درون گروهها و سازمانهای دیگر در دست آوردن سرخ‌های ثابت و سپس در سگسوت و آرامش، گروهها و هسته‌های متعدد هر سازمان را، آرام آرام بکام بندهای خود گرفتار

کردن تا اینکه به عالیترین سطح مسئولین و رهبری آن سازمان دست یافته و یکباره با یک سلسله ضربات کاری مغز و ستون فقرات آن سازمان را متلاشی کند ، دیگر نمیتوانست در سال زمان ما پیاده و اجرا شود . بهمین دلیل در این دوره نیز مانند گذشته سازمان ما هیچ گاه از طریق شناسائی و محاصره حتی یکی از خانه‌های پایگاه‌های اعضا خود مورد حمله قرار نگرفت . اگر دشمن نمیتوانست بسیاری از اعضا را بزند و صدیق گروهها و سازمانهای دیگر را بدلائلی که بنظر ما اساسا به کم بهادادن بقدرت تاکتیکی دشمن ، نادیده گرفتن تجربیات گذشته و جاری جنبش و به حاکمیت روحیه تک روی و غرور در مقابله با تانکهای دشمن و مسامحانه تل میم جنبش بر میگرد ، از طریق رسوخ و رخنه درونی یا بدست آوردن سرخهای قابل اطمینان در همان خانه‌های پایگاه‌های خود بدام اندازد و بدین ترتیب ضربات جمعی فوق العاده خطرناکی را وارد سازد ، دیگر چنین تاکتیکی از هیچ نظر در مورد سازمان ما قابل اجرا نبود .

بهمین دلیل ، دشمن اجبارا به خیابانها روی آورد ، یکباره رقم گشتیهای دشمن در شهرت ۴ و ۵ برابر افزایش یافت . یک بر آورد اولیه حاکمیت که در این موقع ، یعنی در نیمه دوم سال ۵۵ که پلیس اساسا تلاشی سازمان ما را در دستور کار خود قرار داده بود ، رقم گشتی های پلیس مخفی در شهر تهران از مرز ۲۰۰ و ۲۵۰ فراتر رفت . در حالیکه تا قبل از این بین ۳۵ تا ۵۰ عدد در نوسان بود . در گدیهای اتفاقی و ورود در شهرهای ناشناخته خیابانی و بدام افتادن انفرادی مبارزین مخفی در این دوره بشدت افزایش یافت . در واقع گشتیهای پلیس دیگر بطور کور و اتفاقی عمل نمیکردند ، عمده آنها در گروههای سیاسی سازمان یافته بودند که هر یک بطور مشخص با استفاده از وسائل گوناگون ، عکس ، فیلم و ... صر شناسنده بدنیال یک یا دو فرد مشخص میگشتند . هر گروه از آنها اطلاعات زیادی را جمع به مشخصات ظاهری و همینطور مناطق تردد و یا حتی شیوه راه رفتن افراد مورد نظر در دست داشتند . رفیق بهرام آرام ، عضو قدیمی و برجسته مرکزیت سازمان ما بهمین ترتیب بشهادت رسید .

به این ترتیب در این دوره عدمای از اعضا سازمان ما نه در خانه‌های پایگاهی ورد -

های ثابت جدید خود ، بلکه بطور نا منظم و انفرادی بدون ارتباط و پیوستگی با هیچ حادثه یا رد ثابتی مورد شناسایی و محاصره دشمن واقع شده و زیررکبار مسلمان قرار می- گرفتند . عدم ای از میانزین گروههای دیگر نیز بهمین ترتیب پشهادت رسیدند ، یابد سست دشمن اسپر شدند .

وحشی گری دشمن ، همراه ترس و وحشت او از مقاومت انقلابیون باعث میشد که در هر حادثه ای از این قبیل عدم ای از مردم را نیز مورد هدف مسلسلهای خود قرار دهد . در حالیکه ظنهای نادرست نیز موجب گشته شدن و لطمات دیگری ب مردم عادی خیابانها میگردد .

اما بالاخره این تاکتیک جدید دشمن نیز کشف و تا حد امکان خنثی شد . سلسله خطراتی که تک به تک اعضا ما را در خیابانها مورد تهدید قرار میداد کم کم ، با حوصله و بردباری فراوان و تحمل مصائب دیگری مهار شد . تجربیات ارائه شده توسط چند تن از رفقای که علیرغم شناخته شدن و وارد شدن در تور پلیس توانسته بودند سد محاصره و حملات خیابانی دشمن را شکسته و شیوههای کار و عمل جدید دشمن را برای سازمان روشن نمایند ، در این راه بسیار مؤثر بودند .

باری سازمان ما اینک این دوره طوفانی و پرتلاطم را پشت سر گذاشته است ، در حالیکه طوفان و تلاطم دیگری ، طوفان و تلاطم انقلابی بود ،ها که اینبار برای ما و کلیه نیروهای انقلابی ایران ، نوبت بخش و برای دشمن سهمگین و خطرناک است ، توانی که هنوز در ظهور اولین علائم لوزه برپیکر زخم دست نشاند ، شاه انداخته است در راه است .

سازمان ما در حالیکه با یک دست به ترویج ضریات و ضایعات دوره گذشته من پسرد از بدست دیگر و باتمام قوا ، خود را برای استقبال از این توان آماده میکند .

این آمادگی در دو زمینه ، زمینه شوریک ، یعنی حل و فصل مسائل سیاسی مرحله کنونی انقلاب دموکراتیک ایران ، جمعیندی تجارب و نتایج دوره های گذشته ، بررسی انتقادی که به برخی نقطه نظرات و روشهای کار گذشته وارد هستند و در زمینه عملی ، اختصاص کلیه نیروها و امکانات سازمانی به کار آگاه گرانه سیاسی در میان طبقه کارگر ، بکار در میان

طبقات زحمتکش و شرکت در پراستیک مبارزاتی روزمره آنها می باشد . شرکت فعال سازمان ما در جنبش قهرمانانه مردم خابج از محدوده تهران ، شرکت اعضا و حتی مسئولین اجرایی سازمان در این مبارزات و درسی آموزی از آن و مقابله کوشش در هدایت این مبارزات و سمت دهی سیاسی آن نمونه ای است از آمادگی برای این استقبال و آغاز کوشش سترگی که برای پرورش و تحکیم روحیه و اندیشه جدید توده های در سازمان لازم است .

سازمان ما بزودی گزارشات اولیه اعضا خود را از این مبارزات و همچنین در فرصت نزدیکی ، آخرین نظرات خود را درباره تحولات درونی جنبش و جامعه منتشر خواهد کرد . به همین لحاظ ما نیز شرح و بسط بیشتر در زمینه ی فوق را بهمان نشریات موقوف میکنیم .

اشاره های به تحولات درونی جامعه و مهمترین نتایج آن

برای جنبش دانشجویی

رشد مناسبات سرمایه داری در جامعه که مخصوصا با پهریمان افتادن میلیارد ها دلار درآمد ناشی از حراج نفت در چند ساله اخیر ، شتاب فوق العاده ای گرفته است . از یکسو همزیستی قاطع تر بین طبقات و قشرهای مختلف جامعه ، مخصوصا بین بورژوازی و طبقات زحمتکش خلق انجامید و از سوی دیگر ، بار شد این مناسبات و پیدایش قشر وسیعی از سرمایه داران متوسط (بورژوازی لیبرال) که سهم مناسبی در قدرت حاکمه و الیگارش باند شاه ندارند ، این قدرت را حتی از طرف قشرهای وسیعی از خود طبقه حاکمه یعنی از طرف بورژوازی لیبرال نیز علاوه بر توده های خلق مورد فشار قرار داده است . بدین ترتیب بقا و حیات رژیم شاه ، امروزه تنها از طرف طبقات دموکرات جامعه ، از طرف پرولتاریا ، دهقانان فقیر و میانه حال و خرده بورژوازی انقلابی شهر ، مورد تهدید انقلابی قرار گرفته ؛ بلکه این رژیم حتی از طرف قشر وسیع بورژوازی لیبرال نیز مورد مخالفت هایی قرار گرفته است . چنین وضعیتی در بین اینکه خود نشانه دیگری از ناگزیری انقلاب دموکراتیک در ایران و پسرانری سقوط و نابودی افتادن قدرت شاه و الیگارش حاکم را به همراه دارد ، اما با این وصف ، مسائل و خطراتی نیز در پیش پای انقلاب ایران و نیروهای انقلابی و کمونیستی

جامعه قرار میدهد .

در مرکز این مسائل و خطرات موضوع نفوذ ایدئولوژیک بورژوازی لیبرال ، و هژ-
مونی سیاسی و سازمانی آن در انقلاب دموکراتیک ایران قرار دارد ، خطر بزرگی کسبه
پیگیری و پیروزی واقعی انقلاب ایران را مورد تهدید جدی قرار داده و هر آینه باشدید تر
ین قوا بمقابله سیاسی و ایدئولوژیک با آن برخاسته نشود به جای حاکمیت خلق و نیروهای
واقعا انقلابی و دموکرات جامعه به حاکمیت و دیکتاتوری کامل و تمام عیار بورژوازی منجر خواهد
شد .

بدیهی است بورژوازی لیبرال به همه و هر گونه وسیله و توطئه و سازشی متوجه میشود
تا از انقلاب جلوگیری کرده ، مهار و رهبری آن را در دست گرفته و از سرنگونی کامل رژیم
شاه و دارودسته باند جنایت کار و دلالان بیشم سرمایه امپریالیستی در ایران جلوگیری
بعمل آورد . در این میان بخش هایی از نمایندگان این بورژوازی که در پوشش اعتقاد بسه -
مارکسیسم - لنینیسم بدرون نهضت کمونیستی ایران رخنه کرده اند ، از همه خطرناکتر و مبارزه
با آنان از همه دشوارتر است . اساس تئوریکها و نظریات آنها عبارت است از :

۱ - جدا کردن مبارزه علیه دیکتاتوری شاه از مبارزه علیه امپریالیسم و باند سیاه سرمایه-
داران وابسته و مزدور حاکم در ایران ، یا بعبارت دیگر مسکوت گذاردن این نکته مهم کسبه
رژیم شاه تنها دیکتاتوری شاه نبوده ، بلکه شامل باند سرمایه داران دلال و مرتجعین و -
بسته به امپریالیسم نیز میشود .

۲ - مسکوت گذاردن یا رد راه انقلابی سرنگونی رژیم حاکم ایران و این نکته مهم که رژیم
حاکم در ایران بتمام معنی و واقعا سرنگون نمیشود مگر بوسیله قهر انقلابی توده ها ، قیام
و مبارزه مسلحانه آنان .

۳ - مسکوت گذاردن ضرورت همزمنی پرولتاریا در این انقلاب و ناگه بر بودن پیوست انقلاب
دموکراتیک ایران با انقلاب پرولتاری و بردماند اختن بر روی این حقیقت که در عصر امپریالیسم
و احتضار و گدپدگی سرمایه داری انقلاب دموکراتیک ایران جزئی از انقلاب جهانی پرولتاریه
یائی بوده و متحدین جهانی خود را نه در میان بورژوازی لیبرال بلکه در میان کشورهای
واقعا سوسیالیستی و پرولتاریای آگاه و رزمنده کشورهای پیشرفته صنعتی و خلفهای تحت

ستم کشورهای تحت سلطه می بیند .

۴ - بورژوازی لیبرال ایران که خود نامنواستخوان، مستقیم و غیر مستقیم وابسته به سر -
جامه امپریالیستی بود ، و روز بروز بر حدت تضاد های آن با پرولتاریا و توده های زحمتکش
جامعه افزود ، میگردد ، بطور ضمنی یا آشکار بیشرمانه جزه نیروهای دموکرات جامعه قلمداد
شده و از این نظر بر خیانت و سازشکاری این طبقه در امر انقلاب دموکراتیک پرده ساترافتند ،
میشود . همچنین با مخدوش کردن مرز میان دموکراتیسم و لیبرالیسم ، بورژوازی لیبرال جزو
متحدین پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک قلمداد شده و بدین ترتیب راه برای سازش و تسلیم
کشاندن این انقلاب توسط بورژوازی لیبرال صاف میشود .

۵ -

بعنوان مثال شعارهای از قبیل "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" ، "تبدیل دیکتا -
توری شاه به دموکراسی شاه" و "جمهوری ملی" ، شعارهای بورژوازی لیبرالی می هستند که
تمامی این تحریفات آشکار تسلیم طلبانه را در خود جمع دارند .

بدین ترتیب در اوضاع و احوال کنونی ، در شرایطی که بورژوازی لیبرال به پراکندن
سموم ایدئولوژیک خود در میان توده ها و افشار آگاه جامعه پرداخته است ، در شرایطی
که جنبش کمونیستی میهن مان در فقدان ارتباط لازم با جنبش طبقه و در بدترین حالت
پراکندگی بسر میبرد ، برای هیچ کمونیست یا سازمان کمونیستی ضرورت کار فعال سیاسی -
ایدئولوژیک تشکیلاتی در میان طبقه و پاکسازی در تحکیم وحدت صفوف کمونیستها و طبعا
ضرورت مبارزه علیه نفوذ این جریانات در جنبش انقلابی و کمونیستی و افشا ، اوهام بورژوازی لیبرالی
امری پوشیده و نا مشخص نیست . بدین جهت ، مبارزه متحد و همه جانبه علیه ترهات روزبه
نیستی ، رفرمیستی و خیانتکارانه دارو دسته کمیته مرکزی حزب توده و گروههای رسا و پسا
عملا وابسته به آن ، مبارزه علیه ارتجاع مذ هبی ، مبارزه علیه تسلیم طلبی ، رفرمیسم و تحر -
یکات ارتجاعی آن ها و تبلیغ شعار سرنگونی قهر آمیز رژیم باتکا ، قیام و مبارزه مسلحانه
توده ها در صدر هدفهای مبارزه ایدئولوژیک کمونیستها و دیگر انقلابیون بیگیر و در اینجا
در خارج از کشور ، در صدر هدفهای مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک دانشجویان پیشرو و

بوژه فعالین مارکیست - لنینیست جنبش دانشجویی قرار میگیرد .

در واقع مبارزه علیه نفوذ ایدئولوژی بورژوازی لیبرال و غلبه بر انواع مشی های وابسته بدان در جنبش دانشجویی خارج از کشور بهیچ وجه امر کم اهمیت نیست . زیرا در شرایط فعلی ، این جنبش تنها بخشی از جنبش دموکراتیک خلق ماست که بطور علنی بفعالیت خود ادامه میدهد و بنابراین تا حاکمیت رژیم دیکتاتوری هرگونه فعل و انفعالی در موازنه قوا به نفع پرولتاریا و نیروهای انقلابی دموکرات پیگیر و یا بنفع بورژوازی لیبرال و اعیان و انصار خردم بورژوا آن در میان این جنبش هم بطور مستقل و هم از نظر تأثیر بر روی دیگر بخشهای جنبش دموکراتیک از اهمیت قابل توجهی برخوردار است .

به همین دلیل حتی اگر شکل نیروهای واقعا دموکرات این جنبش در چهار جنبه - تشکیلاتی ای با دامنه محدودتر ، اما واقعا دموکراتیک دانشجویی بتواند شرایط برای مقاومت و مقابله و مبارزه لازم با مچ بورژواالیبرالی در این جنبش را بهتر فراهم آورد ، بنظر ما هیچ اشکالی ندارد که توده های دموکرات این جنبش در چنین چهارچوبی متشکل شده و بجای گرفتن راه ایجاد چنان تشکل وسیعتری که امکان در دست گرفتن رهبری آن توسط بورژوازی لیبرال وجود دارد (و یا نیروهایی که خواسته یا ناخواسته در همان سمت قدم بر خواهند داشت) بر اصول خود پافشاری نمایند . برخورد علنی با این قضیه نیز البته همواره منوط به موازنه نیروها و احتساب صحیح آن می باشد که بهتر از هرکس توده های آگاه این جنبش و فعالین و رهبران آینده نگر و صدیق آن قادر به درک و تصمیم گیری صحیح درباره آن هستند .

سازمان مجاهدین خلق ایران

دیماه ۱۳۵۶

پاسخ

سازمان مجاهدین خلق ایران

به اتحادیه دانشجویان ایرانی در آمریکا

رفقای هیئت مسئولین و اعضای اتحادیه دانشجویان ایرانی در آمریکا

درود های گرم ما را بپذیرید .

نامه مورخ سپتامبر ۷۷ که بدنبال " بحث های مکرر در مورد چگونگی گسترش و توسعه فعالیت های دفاعی ، فرهنگی و تبلیغی در مورد جنبش نوین انقلابی و . . . " نوشته شده است بدست ما رسید .

قبل از هر چیزی از اینکه ما را در جریان بحث های خود و مسائل مطروحه در جنبش دانشجویی قرار داد باید تشکر میکنیم . اما در مورد مسائل مطروحه در نامه :

۱- در مورد تکنیوتوزیع انتشارات سازمان ما مطرح نمود باید که آیا " اتحادیه " تنها باید به " پخش و تکثیر آثار عام دموکراتیک و به مفهوم غیر "ایدئولوژیک" مانند نشریه خبری ، ظهور امپریالیسم ایران و . . . اکتفا کند یا همچنان میتواند دامنه ی فعالیت خود را تا تکثیر و توزیع کلی آثار سازمان منجمله آثار ایدئولوژیک - سیاسی گسترش دهد ؟ " متأسفانه مسئله به شکل بسیار مختصر و فشرده ای مطرح شده است بطوریکه اطلاع د قیقی از چند و چون " مسائل مبهم و ناروشنی " که آنها در جریان " بحث های مکرر " برخوردار داشته اید نداریم . طبیعتاً توضیحات بیشتری در این زمینه به کمک میکرد تا بطور همه جانبه تری یعنی با توجه به مسائل ، مشکلات و محدودیتهای میدان عمل و همچنین تجربه قابل توجه و قابل انکاشی که شما مبارزین جنبش دانشجویی در خارج از کشور دارا هستید مساله را مورد بررسی قرار دهیم . با این وصف باید ابراز داریم که در پاسخ سؤال فوق ما بطور کلی نه تنها نمی توانیم هیچ محدودیت سیاسی و اصولی در مقابل سازمانهای دموکراتیکی که آمادگی خود را برای تکثیر و توزیع نشریات سازمانی ما اعلام میدارند باعث شویم بلکه کونیهتها همواره وظیفه خود میدانند که فعالیت

خود را در سازمانهای دموکراتیک آنقدر گسترش دهند، آنقدر به کارآگاهان سیاسی و ایدئولوژیک در درون این سازمانها بپردازند و تا مواضع این سازمانها متناسب با ترکیب طبقاتی و سطح آگاهی سیاسی توده‌ها و عناصر متشکل در این سازمانها هرچه بیشتر به سمت سیاست و ایدئولوژی سازمان یا حزب کونیستی نزدیک شده و فعالیت دموکراتیک آنها در جهت تقویت سیاست و مشی سازمان کونیستی قرار گیرد. بنابراین طبیعی است که ما از خواست شما برای تکثیر و توزیع هرچه وسیعتر نشریات سازمان استقبال میکنیم. در واقع زمانیکه برای سازمان شما این سؤال مطرح شده است که آیا میتوانید نشریات ایدئولوژیک - سیاسی یک سازمان کونیستی و در این سازمان مجاهدین خلق ایران را تکثیر و توزیع و انجام آنها منوط به نظر مابدانید یک معنایش اینست که سازمان شما از چنان سطح سیاسی - ایدئولوژیک برخوردار است که میتواند با تکثیر و توزیع آثار یک سازمان کونیستی آنها مورد حمایت خود قرار داده و حاضر است به نحوی در تبلیغ مشی و نقطه نظرات آن سازمان شرکت کند. برای توضیح بیشتر میتوان از زاویه دیگری نیز این سؤال را مورد بررسی قرار داد. این زاویه عبارت است از چگونگی برنامه و جهت گیری و چگونگی برنامه عملی و بالاخره چارچوب و ضوابط تشکیلاتی آن سازمان. برنامه سیاسی و عملی سازمان دانشجویی شما میتواند در نوارهای متعددی از طیف برنامه سیاسی و عملی یک سازمان عام دانشجویی (سازمانی که همه دانشجویان صرف نظر از ایدئولوژی و نقطه نظرات سیاسی شان، تنها به واسطه درخواستهای مشترک صنفی در آن شرکت دارند) تا سازمان دانشجویی که مواضع مشخص دموکراتیک در زمینه‌ی مسائل مختلف میهن و جهان دارد و نظیر سازمانی با ساخت کفد راسیون سابق واحد جهانی تا سازمانهای دانشجویی سراسری کونی عملی وابسته به مشی ها و نظرگاههای مختلف سیاسی - ایدئولوژیک و بالاخره در آخرین نوار این طیف و متکاملترین آن یعنی برنامه سیاسی و عملی یک سازمان دانشجویی کونیستی قرار گیرد.

با این توصیف به تناسب اینکه سازمان شما در کدام موضع از طیف فوق قرار داشته باشد و ظایف متناسب با آن موضع را نیز به عهد خواهد گرفت. به عنوان مثال در مورد پخش نشریات یک سازمان کونیستی سازمان اول چنین وظیفه ای را برای خود نمی شناسد و همانطور که سازمان نوع دوم نیز نمی تواند به واسطه‌ی جریانهای مختلف متشکل در

آن صرفاً از يك سازمان سیاسی انقلابی دفاع نماید . در حالیکه در سازمان پیشرفته تر دیگر طبعا فعالیت اختصاصی مربوط به خود نیز یعنی اولی طرفداری از يك نقطه نظر سیاسی و ملی مشخص و تاحدودی (۱) طرفداری از يك ایدئولوژی مشخص و ملی به تبلیغ يك سیاست و ایدئولوژی کمونیستی خواهد پرداخت . فکر میکنیم با این توضیحات مختصر پاسخ پایه ای ، مسائل شما روشن شده باشد .

۲- ما در فرصت مناسب دیگری در رانتهشارات آتی خود راجع به عددترین مسائل جنبش دانشجویی و فعالیت سازمانهای وابسته به آن به بحث خواهیم پرداخت اما در همین جا نیز میتوان و لازم میدانیم به طور مختصر نکاتی را متذکر شویم :

الف- تحولات یکی در سالها اخیر جنبش دانشجویی را میتوان بصورت زیر احصا کرد :

سمت گیری هرچه بیشتر آن در جهت هم سوئی و هماهنگی با جنبش نوین انقلابی و نیازها و ضرورت های آن ، قطب بندی باز هم مشخص تر و تصریح هرچه بیشتر مرزهای سیاسی - ایدئولوژیک جریانهای مختلف دانشجویی ، مبارزه علیه مشی های راست و سازشکارانه . اینها تحولاتی است در خدمت جنبش نوین انقلابی خلق ایران و سمت گیری بارزتری است به سمت انقلاب با دموکراتیک ایران که متقابلاً خود میتواند به حل بسیاری از مشکلات و مسائل جنبش دانشجویی منجر شود . این تحولات که مشخصاً متأثر از تحولات درون جامعه (پولا ریواسیون طبقاتی جامعه و شکل گیری جدید آن) و جنبش انقلابی میباشد (برآمد مشخص سیاسی و سازمانی نیروهای اقشار و طبقات خلقی) حائز کمال اهمیت بوده و کوشش باز هم بیشتر دانشجویان پیشرو ، بویژه کمونیست های فعال در رکن جنبش دانشجویی را برای سمت گیری صحیح تر و قاطع تر خود طلب میکنند .

ب- رشد جریانهای بورژوا لیبرالی در چند سال اخیر در جامعه و متقابلاً

نفوذ ایدئولوژی و مشی لیبرالی در جنبش انقلابی و کمونیستی میهن ما مهمترین خطری است که جنبش خود را ها از زحمت کش خلق و طبعا جنبش

(۱) این حدود باز هم به مشخصات دقیق ترین سازمان و اینکه این سازمان در چه نقطه ای از طیف بین سازمان نوع دوم و نوع چهارم قرار دارد موقوف میشود .

دانشجویی را در خارج از کشور مورد تهدید یقین قرار داده است. این
 جریانهای بورژواالیبرالی که مهمترین تجسم سیاسی تشکیلاتی آن
 در کمیته مرکزی حزب توده میباشند، در پیوشنهای به اصطلاح کمونیستی
 و همچنین مذهبی سعی در مسموم کردن آن هان توده و هاوانتشار
 او هام رویزیونیستی رفرمیستی، سازشکارانه و تسلیم طلبانه خود دارند.
 اهمیت خطراین جریانها زمانی روشن میشود که می بینیم جنبش
 کمونیستی میهنمان طیرغم کیفیت بالا و توانایی عظیم، اما بالقوه اش، از
 طرفی فاقد ارتباط حداقل لازم با جنبش طبقه و از طرف دیگر در حالت
 پراکنده گی و تشتت فوق العاده زیادی بسر میرود. طبیعتاً رنجیسن
 اوضاع و احوالی که بورژوازی لیبرال با گسترش نفوذ سیاسی - ایدئولوژیک
 خود به مسموم کردن آن هان توده های زحمتکش و اقشار آگاه مسردم
 پرباخته و حتی توانسته است به کمک عناصر متزلزل و لیبرال درون جنبش
 انقلابی؟ کمونیستی، یعنی ستون پنجم های بورژوازی لیبرال در درون
 جنبش، نفوذ سیاسی - ایدئولوژیک خود را به نفوذ تشکیلاتی تبدیل
 نمود و وارگانهای جدیدی هم دست و پا کنند، برای هیچ کمونیست یا
 سازمان کمونیستی ضرورت کار فعال سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی
 در میان طبقه کارگر و پاکسازی، تحکیم و وحدت صفوف کمونیست ها و
 طبعا ضرورت مبارزه علیه نفوذ این جریانات در جنبش انقلابی و کمونیستی
 و افشاء او هام بورژواالیبرالی امری پوشیده و نامشخص نیست. بدین
 جهت مبارزه متحد و همه جانبه علیه ترهات رویزیونیستی، رفرمیستی
 و خیانتکارانه در اوسته کمیته مرکزی حزب توده و گروههای رسا و عسلا
 وابسته به آن، مبارزه علیه ارتجاع مذهبی، تسلیم طلبی، سازشکار
 و رفرمیست و تبلیغ شعار سرنگونی قهرآمیز رژیم به اتکا، قیام و مبارزه
 مسلحانه توده، در صدر هدفهای مبارزه ایدئولوژیک کمونیست ها
 و دیگر انقلابیون پیگیر و در اینجا در خارج از کشور، در صدر هدفهای
 مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک ناتنجویان پیشرویه ویژه فعالیسن
 مارکسیست - لنینیست جنبش دانشجویی قرار میگیرد.

ج - همچنین مبارزه علیه هرگونه تسلیم آید ثولوژیک در جنبش دانشجویی منجمله مبارزه علیه این تصور که گویا جریانهای سیاسی دانشجویی روشنفکری برخارج ازکشور به واسطه ی مواضع ثانوی و پشت جبههای خود نمی توانند و یانبايد نسبت به جریانهای سیاسی انقلابی درون کشور موضع گیری نمایند ازجمله وظایف دیگری است که برعهده فعالین جنبش دانشجویی بخصوص کمونیست ها قرار دارد .

د رواقع تبلیغ نظریاتی به این مضمون که " آنها (نانشجویان) نیازی به تشخیص گرایشات مختلف ندارند " و یانبايد سمت مشخصی را انتخاب نکنند معنایی جز تبلیغ " بی پرندسیبی و لاقیدی " درجنبش دانشجویی روشنفکری خارج ازکشور رانندارد .

پدین قرار هرگونه کوتاه آمدن دراین زمینه یعنی کوتاهی درتصریح مرزهای سیاسی - آید ثولوژیک در جنبش دانشجویی بخصوص در شرایط کنونی به بهانه حفظ وحدت و . . . هیچ معنایی جزکسک به گسترش نفوذ آید ثولوژی و سیاست بورژوازی در جنبش دانشجویی ندارد و برخلاف تصور برخی نه تنها تصریح مرزها به وحدت صدمه نمی زند بلکه وحدت اصولی جنبش دانشجویی را به نفع کمونیستها تحکیم می بخشد .

رفقا

نظرات و ملا حظات ما را جمع به جنبش دانشجویی و مسایل کنونی آن به همین جا خاتمه نمی یابد . ما درآینده نزدیکی بازهم دراین باره صحبت خواهیم کرد .

د ست شما رامیفشاریم و برای اتحاد به دانشجویان ایرانی در آمریکا آرزوی موفقیت و پیشرفت بازهم بیشتری را داریم

سازمان مجاهدین خلق ایسران

(الف - خ)

۲۰ د سامبر ۱۹۷۷